

بررسی و ارزیابی راهبردهای رژیم بعث عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران

حسین علایی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳

چکیده:

در این پژوهش به بیان و ارزیابی راهبردهای حکومت بعثی عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود و تحولات آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای، اسنادی و اینترنتی می‌باشد. سوال اصلی پژوهش این است که عراق با اتخاذ چه راهبردی دست به تهاجم نظامی علیه ایران زد؟ همچنین چه تحولاتی در راهبردهای عراق در طول جنگ با ایران رخ داد؟ نتیجه کلی مقاله نشان می‌دهد که عراق با اتخاذ استراتژی "برپایی جنگ" به دنبال نیل به سه هدف "تغییر معاهده ۱۹۷۵" و به کنترل درآوردن اروندرود و نیز "جداسازی استان خوزستان" از ایران و همچنین "سلب حاکمیت دولت ایران از جزایر سه گانه" بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در خلیج فارس بوده است. در نهایت در این پژوهش مشخص شده است که راهبرد عراق در لشکرکشی به خاک ایران با توجه به دفاع همه جانبه مردم و قوای مسلح جمهوری اسلامی ایران، شکست سختی خورده و ناکام مانده است. صدام حسین به هیچیک از اهداف خود از برپایی جنگ نرسید. وحدت سرزمینی و یکپارچگی ایران باقی ماند و حزب بعث نیز چند سال پس از پایان جنگ نابود شد و صدام نیز حکومت خود بر رژیم بعث عراق را از دست داد و سرانجام کشته شد.

واژگان اصلی: راهبرد، اروندرود، جنگ رژیم بعث عراق با ایران، تهاجم، معاهده ۱۹۷۵.

۱. استاد گروه مدیریت دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

رژیم بعث عراق یکی از مهمترین همسایگان ایران با مرز بسیار طولانی است. علیرغم پیوندهای نزدیک قومی، فرهنگی و مذهبی بین دو همسایه، همواره اختلاف و تنش بین دو کشور ایران و رژیم بعث عراق در طی سالیان دراز و از قدیم وجود داشته است. تحرکات امنیتی و نظامی رژیم بعث عراق علیه ایران از همان روزهای اول سقوط نظام شاهنشاهی در سال ۱۳۵۷ شروع شد و آرام آرام گسترش یافت. در نهایت پس از گذشت ۱۹ ماه از پیروزی انقلاب، عدم حل اختلافات دو کشور منجر به آغاز جنگ در روز ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ از سوی ارتش رژیم بعث عراق شد. حمله نظامی رژیم بعث عراق به ایران، مصداق کاملی از یک تجاوز نظامی بود و از نظر حقوق بین الملل همزمان عرصه نقض چهار قاعده آمره حقوق بین الملل یعنی "عدم توسل به کاربرد زور"، "حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات"، "احترام به حق حاکمیت ملی" و "تغییرناپذیری مرزهای بین المللی" بود. این تحقیق در تلاش برای پی بردن به راهبردهای رژیم بعث عراق در دوره جنگ تحمیلی و پاسخ به سوالات زیر است:

- ۱- راهبرد رژیم بعث عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران چه بوده است؟
 - ۲- رژیم بعث عراق چه راهبردهایی را در مقاطع مختلف جنگ اتخاذ کرده است؟
 - ۳- رژیم بعث عراق چگونه آن راهبردها را به مرحله اجرا درآورده است؟
 - ۴- رژیم بعث عراق با چه راهبردی به دنبال خاتمه دادن به جنگ بود؟
- برای پاسخ به سوالات فوق از جمع آوری اطلاعات و داده های پژوهش های توصیفی، تاریخی، تحلیلی و تفسیری استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

بررسی چگونگی تصمیم گیری رژیم بعث عراق برای آغاز جنگ با ایران بدون مطالعه بر روی راهبردهای این کشور جهت غلبه بر ایران، امکان پذیر نیست. تحقیقات و بررسی ها نشان می دهد که تا کنون مطالعات محدودی در باره راهبردهای رژیم بعث عراق در جنگ منتشر شده است. مقالات و کتاب هایی که در آنها اشاراتی به راهبردهای رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی شده به شرح است:

۱- مقاله "بررسی استراتژی عراق در طی جنگ تحمیلی بر علیه جمهوری اسلامی ایران" نوشته

آقایان هادی مراد پیری، مهدی حشمتی و محمد حسن زاده

این مقاله در تابستان ۱۳۹۶ در فصلنامه جامع دفاع مقدس شماره ۲، سال دوم منتشر شده است. نتایج تحقیق این ادعا را دارد که استراتژی عراق در سطح ملی و نظامی در تمام مقطع جنگ به صورت تهاجمی بوده است ولی استراتژی عملیاتی آن کشور به صورت متغیر بوده است.

۲- کتاب "تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق" نوشته: حسین علایی

در این کتاب به تمامی تحولات جنگ تحمیلی پرداخته شده است. در لابلای فصول دهگانه این کتاب به راهبردهای عراق در هر مقطعی از جنگ نیز تا حدودی پرداخته شده است.

۳- مقاله "تبیین جنگ عراق علیه ایران" نوشته: آقایان امین روان بد و عبدالعلی قوام

در این مقاله که در فصلنامه راهبرد سال بیست و چهارم تابستان ۱۳۹۴ شماره ۷۵ منتشر شده است به تلاش رژیم بعث عراق برای کسب هژمونی یا برتری در منطقه و دستیابی به رهبری جهان عرب در جنگ با ایران توجه شده است.

۴- کتاب "تجزیه و تحلیل استراتژی نظامی عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران" نوشته:

فرهاد درویشی

در این کتاب که در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است به طور مشخص به راهبردهای نظامی رژیم بعث عراق در مقاطع مختلف جنگ با ایران پرداخته است.

۵- کتاب "طولانی ترین جنگ" نوشته: Dilip Hiro با ترجمه علیرضا فرشچی

نویسنده در این کتاب سعی کرده است راهبرد صدام را برای گسترش خط ساحلی عراق در خلیج فارس از طریق جنگ با ایران و سپس با کویت توضیح دهد.

۶- مقاله "بررسی مقایسه ای راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عراق در دوران جنگ از دیدگاه

فرماندهان دوران دفاع مقدس"، نوشته آقایان هادی مراد پیری و مهدی حشمتی جدید، چاپ

شده در فصلنامه سیاست دفاعی شماره ۹۷ زمستان سال ۱۳۹۵ نیز تا حدودی راهبردهای

طرفین جنگ را بررسی کرده است.

۷- مقاله "تبیین در راهبرد نظامی عراق در جنگ علیه ایران" نوشته آقای فرهاد درویشی

در این مقاله که در مجله سیاست دفاعی سال ۱۸ شماره ۷۲ پاییز ۱۳۸۹، منتشر شده از طریق بررسی

روندها و با تکیه بر مواضع اعلامی رهبری عراق و عملکرد ارتش عراق در جنگ تحمیلی، راهبرد

نظامی عراق را تابعی از تحولات جبهه های جنگ، شرایط نظام بین المللی و چگونگی تعامل بین

نظامیان و سیاسیون عراقی می داند.

مبانی نظری

راهبرد نظامی به دنبال کسب پیروزی در جنگ از طریق بکارگیری قدرت نظامی است. برای اتخاذ یک راهبرد نظامی صحیح بایستی "هدف های نظامی" به گونه ای تعیین شوند که با دسترسی به آنها، بتوان "اهداف سیاسی" جنگ را تأمین نمود. تدوین و تنظیم راهبرد نظامی مناسب، وظیفه فرماندهان عالی و ستاد آنهاست. (افشردی، ۱۳۸۶: ۸۹)

اولین ویژگی یک راهبرد خوب و اثربخش این است که بتوان آن را به سادگی تعریف کرد و بدون استفاده از شعار آن را به زبان ساده بیان کرد تا برای مجریان قابل فهم باشد. زیرا راهبرد موجب می شود تا انتظاری که از صحنه عملیات می رود برای فرماندهان میدانی ساده و قابل درک و فهم شود. راهبرد خوب و اثربخش منجر به تأثیرگذاری اساسی بر نتایج کلیدی عملکرد می شود. راهبرد واقعی باید مشخص کند که چه فعالیت هایی و چه عملیات هایی نباید انجام شوند. (احمدوند، ۱۳۸۶: ۴۷)

در جدول زیر مشخصات یک راهبرد خوب و اثربخش و چگونگی خلق آن ارائه می شود.

مشخصات یک راهبرد خوب و اثربخش	ساز و کار تنظیم راهبرد اثربخش
پایداری در برابر تغییرات محیطی	ارزیابی مداوم راهبرد از طریق تجزیه و تحلیل شرایط محیط
فرآیند درست تنظیم راهبرد	عدم سوگیری های شناختی
سخت بودن بهره گیری و تقلید دشمن از آن	تحلیل گری و رصد راهبرد و کارآمدی تقلید ناپذیری آن
اجرائی بودن راهبرد	وجود منابع کافی برای اجرای راهبرد
هماهنگی با واقعیت و با ابعاد مختلف محیط	تحلیل روندها، تحلیل دشمن و تحلیل فضای عملیات

موارد فوق وقتی در کنار یکدیگر قرار می گیرند می توانند یک راهبرد خوب و اثربخش را تدوین کنند تا بتوان با اجرای آن به اهداف مورد نظر نائل آمد.

چگونگی فهم راهبردهای نظامی رژیم بعث عراق

راهبردهای رژیم بعث عراق در جنگ با ایران تا کنون به صورت رسمی اعلام و منتشر نشده است. برای فهم راهبردهای رژیم بعث عراق در برابر ایران، استنباط صحیح و دقیق از ساختارهای تصمیم سازی رژیم بعث عراق در دوران حاکمیت حزب بعث ضروری و کلیدی است. صدام حسین همواره از "اصل وحشت و هراس انگیزی" در اتخاذ تصمیمات خود بهره می برده است. (تیمرمن، ۱۳۷۳: ۷۶)

بنابراین راهبردهای حکومت بعثی عراق در برابر ایران، همواره تهدید محور^۱ بوده است. حتی پس از امضای معاهده ۱۹۷۵، عراق سعی کرد تا یک نیروی نظامی پر تحرک و یک ارتش قدرتمندی را تشکیل دهد تا در زمان لازم بتواند با ایران درگیر شود.

قدرت نظامی رژیم بعث عراق متکی بر یگان‌های زمینی و متکی بر واحدهای زرهی و حجم انبوه آتش توپخانه بود و نیروی هوایی وظیفه پشتیبانی از آنها را در صحنه عملیات بر عهده داشت. (معین وزیری، ۱۳۸۵: ۲۷)

راهبردهایی که در این بخش به آنها پرداخته می‌شود همگی از "تحلیل روندها"، "اقدامات عملی" و نیز "رفتارهای مدیریتی" حکومت رژیم بعث عراق از جمله دیدگاه‌های صدام حسین، اعضای شورای عالی حزب بعث و فرماندهان عالی نظامی و نیز عملیات‌های انجام شده در جبهه‌های مختلف زمینی، دریایی و هوایی برداشت شده است. بنابراین می‌توان گفت آنچه در "صحنه عمل" اجرا شده است، راهبرد سیاسی و نظامی واقعی رژیم بعث عراق در جنگ بوده است.

چرایی وقوع جنگ

دوره حاکمیت حزب بعث را می‌توان از تلخ‌ترین و خون‌بارترین وقایع دوران تاریخ عراق توصیف کرد. گرچه صدام حسین دلیل اصلی جنگ با ایران را در سخنان مختلفی بیان کرده است ولی باید توجه داشت که وقوع جنگ‌ها در طول تاریخ الزاماً محصول برنامه ریزی، تدبیر و محاسبه صحیح نیست، بلکه بیشتر نتیجه مستقیم خطای محاسباتی و سوء تدبیر آغازگر جنگ است. (مفید، ۱۳۹۸: ۸۴) معمولاً وقوع هر جنگی ناشی از تصور آغازگر جنگ از آفت و کاهش "توان بازدارندگی" طرف مقابل است. تحلیل رژیم بعث عراق از پیامدهای سقوط نظام شاهنشاهی در ایران، کاهش قدرت و توان نظامی ایران و عدم امکان تاب آوری جمهوری اسلامی ایران در برابر وقوع جنگ بوده است. در همین رابطه آیت الله خامنه‌ای گفته‌اند:

"دشمن سبک‌سر و جاهل، ما را ضعیف پنداشت و به مرزهای ما حمله کرد و آتش جنگی هشت‌ساله و پُرخسارت را برافروخت. ما باید آن‌چنان قوی باشیم که چنین پندار غلطی دیگر در فکر هیچ جاهل قدره‌بندی نیاید و فکر تجاوز به ایران برای همیشه دفن شود". (حدیث ولایت، جلد دوم: ۱۵۴)

¹ - Threat Base

بنابراین قاعده رفتاری دولت رژیم بعث عراق پس از سقوط نظام شاهنشاهی در قبال ایران بر این باور استوار بود که قدرت ارتش به دلیل قطع ارتباط نظامی آمریکا و نیز کاهش روابط اروپا با ایران اُفت کرده است و ایران توان بازدارندگی را از دست داده است. بنابراین فرصتی برای رژیم بعثی عراق جهت بهره برداری از این شرایط فراهم شده است. (کوبین وودز، ۱۴۰۰: ۳۲) صدام با چنین تصویری از وضعیت ایران، رفتاری را از خود بروز داد که در تمامی سطوح نظامی، سیاسی و اجتماعی زمینه ساز تنش بین عراق و ایران و در نهایت شروع جنگ شد.

بعضی از تحلیل‌گران هم بر این باور هستند که رژیم بعثی عراق، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را یک "تهدید وجودی" برای بقای خود تلقی می‌کرد. این تحلیل‌گران معتقدند که با شعارهایی که پس از سرنگونی نظام شاهنشاهی در باره صدور انقلاب مطرح می‌شد، حزب بعث عراق، نگران ایجاد انسجام بین شیعیان و کردهای عراق و ظهور مخالفت آنها با دیکتاتوری صدام بود. بر همین اساس بود که دولت رژیم بعث عراق تمامی طرفداران انقلاب اسلامی از جمله آیت الله سیدمحمدباقر صدر و خواهرش و نیز بسیاری از علمای شیعه را بازداشت نمود و بلافاصله آنها را اعدام کرد. (صحیفه امام، جلد ۱۲: ۲۵۳) با چنین تحلیلی، آنها اقدام به جنگ از سوی صدام حسین را یک "عملیات پیشدستانه" به شمار می‌آوردند که برای تداوم بقای حزب بعث در قدرت طرح ریزی و اجرا شد.

اگر حتی چنین تحلیلی پذیرفته شود، دولتی که احساس تهدید یا خطر از جانب کشور دیگری می‌کند قانوناً باید به شورای امنیت سازمان ملل مراجعه نماید، نه اینکه خود رأساً تصمیم به شروع جنگ بگیرد. بنابراین با شروع جنگ، حکومت رژیم بعث عراق دچار یک اشتباه راهبردی بزرگی شد.

یافته های تحقیق

در این قسمت به راهبردهای رژیم بعث عراق پرداخته می‌شود. در ساختار تصمیم‌گیری حزب بعث باید به این نکته توجه داشت که هویت عربی عراق بر همه عناصر تشکیل دهنده یک ملت برتری داشته است. دولت حزب بعث همیشه نگران امنیت حاکمیت خود بوده است، زیرا بر مشارکت و آرای آحاد و اقوام و طوائف مختلف مردم عراق تکیه نداشت. در زمان صدام حسین، اکثریت شیعیان و کردهای عراق مخالف تداوم حکومت دیکتاتوری حزب بعث بر آن کشور بودند. (دیلیپ، ۱۳۹۱: ۹۴) از طرفی حزب بعث عراق همواره کشور ایران را در مقابل خود می‌دید و آن را تهدید اول خود محسوب می‌کرد. همین دیدگاه به علاوه وجود سایر اختلافات، باعث ایجاد فاصله آن کشور با ایران و

تهدید مستمر انگاشتن همسایه شرقی خود شده بود. از طرفی نگرش صدام نیز بر این مبنا بود که ایران باید خواسته های عراق را بپذیرد و در برابر دولت بعثی کُرنش و تعظیم کند تا جنگی رخ ندهد. اصولاً حزب بعث به ویژه صدام حسین معتقد بود که اموری را که می توان با بهره گیری از "زور" و "دعوا" و از طریق بکارگیری "قدرت نظامی" حل کرد، نباید با مذاکره و دیپلماسی دنبال نمود. با توجه به چنین نگرشی بود که سعدون حمادی وزیر خارجه طی نامه ای به دبیرکل سازمان ملل در ۳۰ شهریور ماه ۱۳۵۹ اعلام کرد که رژیم بعث عراق تصمیم دارد تا با استفاده از زور اراضی تحت اشغال ایران را به آن کشور بازگرداند. (خرمی، جلد اول: ۴۴) تکیه بر همین راهبرد بود که باعث جنگ رژیم بعث عراق با ایران در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ و حمله و اشغال کویت در مرداد ماه سال ۱۳۶۹ شد. صدام قبل از شروع جنگ برای عملی ساختن راهبرد خود، از ابزارهایی مانند "جنگ مسلحانه حزب دموکرات" در کردستان، "نا آرام سازی خوزستان" و "انفجار خطوط نفتی" توسط جریان خلق عرب بهره می گرفت. او از الگوی دیپلماتیک و انجام مذاکره برای حل و فصل اختلافات و منازعه خود با ایران استقبال نمی کرد و به دنبال تغییر معاهده مرزی ۱۹۷۵ و نیز جداسازی خوزستان از ایران و ادعا در باره سه جزیره ایرانی بود. چنین نگرشی در اتخاذ راهبرد رژیم بعث عراق در جریان اتخاذ تصمیم به جنگ با ایران بسیار موثر بوده است.

راهبرد رژیم بعث عراق در قبال ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت رژیم بعث عراق به فکر "استفاده از فرصت" برای در اختیار گرفتن اروندرود و مطرح کردن خود به عنوان کشور مدافع اعراب در برابر ایران افتاد. (وفیق السامرای، ۱۳۹۹: ۹۲) بر همین اساس، سعدون حمادی در روز دوم مهر ماه سال ۱۳۵۹ یعنی در روز سوم جنگ طی یک نامه رسمی به دبیرکل سازمان ملل می نویسد: "رودخانه شط العرب همان طور که همیشه در طی تاریخ یک رودخانه عراقی و تحت کنترل کامل و حاکمیت عراق بوده باید مجدداً تحت کنترل عراق قرار گیرد... به علاوه عراق قصد ندارد جنگی علیه ایران آغاز نماید و یا حوزه مناقشه اش را با این کشور بیش از محدوده دفاع از حاکمیت و حقوق قانونی اش گسترش دهد". (خرمی، جلد اول: ۱۳۸۷: ۴۷)

علاوه بر آن با پیروزی انقلاب اسلامی، حزب بعث عراق نگران سرایت آزادیخواهی به عراق بود و از این که مردم عراق بخواهند با الگوگیری از جمهوری اسلامی، سرنوشت خود را با رفتن آزادانه به پای صندوق های رأی تعیین کنند، واهمه داشت. بر همین اساس صدام شروع به اخراج عراقی های ایرانی تبار از خاک عراق کرد و تا اول مرداد ماه سال ۱۳۵۹ حدود ۴۰۰۰۰ نفر را روانه ایران کرد. (خرمی، جلد اول: ۱۳۸۷: ۴۰)

از سوی دیگر عراق، راهبرد "ناامن سازی" استان‌های مرزی و "تضعیف ارتش" ایران را در دستورکار قرار داد. بر اساس همین راهبرد بود که عراق به حمایت از حزب دموکرات کردستان ایران پرداخت تا با کمک تشکیلات مسلح آن حزب بتواند استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاهان را ناامن کند. همچنین رژیم بعث عراق برخی از سران عشایر خوزستان را تسلیح کرد تا با فعال کردن تشکیلات خلق عرب بتواند در خوزستان انفجارات انجام دهد. همچنین با کمک شاپور بختیار و برخی از امرای ارتش شاهنشاهی مثل اویسی به برنامه‌ریزی و اجرای "گودتای نقاب" کمک فراوانی کرد تا بتواند یا جمهوری اسلامی را سرنگون کند.

از سوی دیگر عراق به طور مرتب خواهان واگذاری جزائر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک به اعراب می‌شد. بر اساس همین سیاست، وزیر خارجه رژیم بعث عراق طی نامه‌ای در دهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ خطاب به دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد: "دولت جمهوری عراق مایل است تأکید کند که اشغال غیرقانونی سه جزیره عربی را به رسمیت نمی‌شناسد". (خرمی، جلد اول: ۱۳۸۷: ۳۵)

قبل از شروع جنگ، راهبرد امنیت ملی عراق بر اصول "اولویت دادن به قدرت نظامی"، "پیشدستی" و "تهاجم نظامی" استوار بوده است. در این راهبرد، بهره‌گیری از "قدرت نظامی" و "برپایی جنگ" از مهم‌ترین ابزارها و ساز و کارهای تأمین امنیت ملی با تکیه بر پشتیبانی تسلیحاتی و تجهیزاتی شوروی به شمار می‌رفته است.

با اتخاذ چنین تمهیداتی، رژیم بعث عراق راهبرد جنگ را انتخاب کرد و در دوم مهر ماه سال ۱۳۵۹ و سه روز پس از شروع جنگ، وزیر خارجه رژیم بعث عراق طی یک نامه رسمی به دبیرکل سازمان ملل، فسخ معاهده ۱۹۷۵ را اعلام کرد. (خرمی، جلد اول: ۱۳۸۷: ۴۸)

بنابراین راهبرد رژیم بعث عراق "استفاده از زور" و بهره‌گیری از "قدرت نظامی" برای حل اختلافات خود با ایران بوده است. طبیعی است که بهره‌گیری از راه حل نظامی و اتخاذ راهبرد تهاجم نظامی، زمانی موثر است که بتوان با کمک آن، اختلافات سیاسی و مرزی را حل کرد. اما نتیجه جنگ نشان داد که رژیم بعث عراق با اتخاذ چنین راهبردی به هدف مورد نظر خود نرسیده است و آغازگر جنگ نتوانسته است مشکل خود با ایران را حل کند.

راهبرد رژیم بعث عراق در مناقشه با ایران

با ظهور علانم پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست رژیم بعث عراق در برابر ایران، "استفاده از فرصت" و تبدیل "اختلاف" های دو کشور به "نزاع" و تلاش برای "توسعه منازعه" بوده است.

برهمن اساس گرچه رژیم بعث عراق، جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخته بود، اما با رفتاری که از خود نشان داد می‌توان گفت که آن کشور سیاست خود را به راهبرد "تقابل و رویارویی" با ایران تغییر داد. این در حالی بود که رژیم بعث عراق پس از انعقاد معاهده ۱۹۷۵، راهبرد "رقابت و همکاری" را در قبال ایران در پیش گرفته بود.

صدام احساس می‌کرد که یک فرصت تاریخی ایجاد شده است تا معاهده ۱۹۷۵ را زیر پا بگذارد و برای ایمن ماندن از پیامدهای انقلاب اسلامی از راهبرد تهاجمی علیه ایران استفاده کرده و رفتار خشن متکی بر قدرت نظامی انجام دهد. بنابراین راهبرد رژیم بعث عراق "لغو معاهده ۱۹۷۵" و "تسلط بر اروندرود" از طریق برپایی جنگ بوده است. با اتخاذ این راهبرد بود که ارتش رژیم بعث عراق در روزهای ۱۶ و ۱۹ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ به دو منطقه مرزی زینلکش و میمک حمله کرد و آنها را تصرف نمود. (مفید، ۱۳۹۸: ۵۵)

بنابراین راهبرد رژیم بعث عراق، برپایی جنگ به منظور انعقاد یک قرارداد جدید مرزی بود تا تمامی اروند در اختیار رژیم بعث عراق قرار گیرد. در این راهبرد درخواست آتش بس پس از اشغال سرزمین های ایران، پیش بینی شده بود تا جمهوری اسلامی، امکان دفاع و بازپس گیری اراضی اشغالی را از دست بدهد. او می‌خواست تا ایران به این جمع بندی برسد که ختم جنگ، راه حل نظامی ندارد و فقط با دادن امتیاز به رژیم بعث عراق می‌توان به امنیت رسید.

راهبرد رژیم بعث عراق در طول دوره جنگ

با بررسی دیدگاه‌های صدام، مشخص می‌شود که گرچه رژیم بعث عراق گاهی اوقات شعار سرنگونگی جمهوری اسلامی را سر می‌داده است، اما راهبرد اصلی عراق "الغای معاهده ۱۹۷۵" از طریق برپایی جنگ بوده است. صدام برای نیل به چنین هدفی تمام زور، توان و قدرت خود را که در نیروهای مسلح ارتش بعثی تجلی می‌یافت، سازماندهی و بازآرایی کرد تا بتواند به ایران حمله کند. رژیم عراق می‌دانست که از بین رفتن جمهوری اسلامی که بر اثر یک انقلاب و با آراء اکثریت قاطع مردم ایران تأسیس شده است، کار ساده ای نیست.

راهبرد نظامی رژیم بعث عراق برای نیل به چنین هدفی اشغال استان خوزستان و تصرف ساحل شمالی اروندرود بوده است. بر همین اساس صدام در هر شرایطی در دوره جنگ، هیچگاه حتی در شرایط ضعف مثل بیرون رانده شدن از خاک ایران و آزادسازی خرمشهر حاضر نشد تا با قبول معاهده

مرزی ۱۹۷۵ به جنگ پایان دهد. او همیشه به دنبال تحمیل آتش‌بس و سپس انجام مذاکره برای انعقاد معاهده جدید مرزی با ایران بود تا بتواند اروندرود را در کنترل کامل خود بگیرد. در همین رابطه صدام طی نامه ای در ۲۴ مهرماه ۱۳۵۹ خطاب به کورت والدهام دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد: "از آنجایی که کشتی‌ها مادامی که در شط‌العرب هستند و آن یک رود عراقی می‌باشد بر اساس حاکمیت کامل ما بر این رودخانه، می‌بایست با پرچم عراق حرکت کنند. (خرمی، جلد اول، ۱۳۸۷: ۶۵)

بر اساس همین راهبرد صدام طی نامه ای به دبیرکل سازمان ملل در ۷ مهر ۱۳۵۹ نوشت: "عراق آماده است فوراً مخصصات میان خود و ایران را متوقف سازد، در صورتی که طرف دیگر نیز تعهد مشابهی بدهد و به مذاکرات به طور مستقیم یا از طریق طرف ثالثی و یا اینکه از طریق یک مجمع بین المللی و یا سازمانی که مورد وثوق و اعتماد ما باشد به حل و فصل عادلانه و شرافتمندانه که متضمن حقوق و حاکمیت ما باشد متوسل شویم". (خرمی جلد اول: ۱۳۸۷: ۵۶) البته منظور رژیم بعث عراق از حل و فصل عادلانه اختلافات، همانطور که فرمانده سپاه چهارم ارتش رژیم بعث عراق در اسفندماه سال ۱۳۶۱ در مصاحبه با هفته نامه لبنانی الحوادث بیان داشته ترسیم مجدد خطوط مرزی و عدم پس دادن ارتفاعات و کوه ها بود. (خرمی، جلد دوم: ۱۳۸۷: ۳۵)

در مجموع شاید بتوان گفت که انتظار رژیم بعث عراق از برپایی جنگ، فقط حل مشکل مرزی آن روز خود با ایران و الغای معاهده ۱۹۷۵ نبود، بلکه صدام می‌خواست تا با شکست ایران، آینده جدیدی برای حاکمیت خود رقم بزند. شاید او می‌خواست با پیروزی در جنگ، بتواند به عنوان قدرتمندترین کشور عربی در خاورمیانه عرض اندام کند و سیادت خود را بر کشورهای عربی تحمیل کند.

راهبرد نظامی رژیم بعث عراق

رژیم بعث عراق با دلایلی کاملاً پوچ به ایران حمله کرد. راهبرد نظامی رژیم بعث عراق، تصرف خوزستان و الحاق آن به رژیم بعث عراق با اسم عربستان و در اختیار گرفتن اروندرود بود. بنی صدر معتقد بود که آمریکا چراغ سبز حمله رژیم بعث عراق به ایران را به صدام داده است و آمریکا تصمیم گیرنده و طراح اصلی حمله نظامی رژیم بعث عراق به ایران بوده است. (مهاجرانی، ۱۴۰۰: ۲۲۲) یک روز پس از قطع رابطه آمریکا با ایران، صدام در ۲۰ فروردین ۱۳۵۹ طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: "ارتش ۴۰۰ هزار نفری رژیم بعث عراق آماده است تا به زور اختلافات خودش با ایران را حل کند". (رشید، ۱۳۸۸: ۳۲)

راهبرد نظامی رژیم بعث عراق، "تمرکز عمده قوای ارتش بعثی در جبهه جنوب" برای تصرف

خوزستان و قطع ارتباط آن با مرکز کشور بود، گرچه عملاً نتوانست آن را به خوبی اجرا کند و با کمبود یگان مواجه شد. همچنین "اشغال ارتفاعات سرکوب مرزی در جبهه غرب" برای جلوگیری از واکنش ایران جهت پیشروی به سمت بغداد و نیز "درگیر نگهداشتن بخشی از قوای ایران در جبهه شمالغرب" از طریق حزب دموکرات و سایر گروه های مسلح وابسته به پشتیبانی رژیم بعث عراق مثل حزب کومله به منظور تفرقه بین قوای ایران و تقسیم توان رزمی ایران در راهبرد نظامی رژیم بعث عراق منظور شده بود. (مفید، ۱۳۹۸: ۸۶)

عملیات رژیم بعث عراق در جبهه های غرب و شمالغرب تا حدود ۹۰ درصد به اهداف خود رسید و ارتش رژیم بعث عراق در جبهه میانی تا نزدیک به ۴۰ کیلومتر در داخل خاک ایران پیشروی کرد. (رشید، ۱۳۸۸: ۹۴) ارتش رژیم بعث عراق قبل از شروع رسمی جنگ در روزهای ۱۷ و ۱۹ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ توانست ارتفاعات سرکوب مرزی پیش بینی شده در معاهده ۱۹۷۵ به ویژه در خانلیلی و میمک را به اشغال در آورد. (معین وزیری، ۱۳۸۵: ۴۳)

در واقع رژیم بعث عراق در گام اول از "راهبرد حمله بازدارنده، محدود و کنترل شده" بهره گرفت. پس از آنکه رژیم بعث عراق واکنش ضعیف ایران را مشاهده کرد، دست به تهاجم سراسری خود در تمام نوار مرزی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ زد و جنگ همه جانبه در زمین، هوا و دریا را شروع کرد.

ارتش رژیم بعث عراق با یک حرکت تاکتیکی مطمئن و تقریباً بدون برخورد با نیروی قابل توجهی، از تمامی مرزها عبور کرد و در تمامی جبهه ها پیشروی کرد. در مجموع ارتش رژیم بعث عراق استعدادی در حد ۸ لشکر را برای تهاجم در جبهه جنوب اختصاص داده بود. (رشید، ۱۳۸۸: ۳۷) هنوز مشخص نیست که در راهبرد نظامی رژیم بعث عراق، تصرف تنگه فنی در شمال خوزستان اولویت داشته است و یا تصرف اهواز به عنوان مرکز خوزستان ارجحیت داشته است؟ به هر صورت مقاومت های نیروهای ایران مانع رسیدن ارتش رژیم بعث عراق به چنین عارضه های حیاتی شد.

خرمشهر را نیز پس از ۳۴ روز درگیری به اشغال درآورد و با عبور از رودخانه کارون، شهر آبادان را نیز از سه جهت محاصره کرد. ایران نتوانست جلوی پل زدن دشمن بر روی کارون را بگیرد. (حدیث ولایت، جلد ۵: ۲۰۱)

در واقع تلاش رژیم بعث عراق برای تصرف شهرهای خرمشهر و آبادان و در نهایت جزیره آبادان در راستای "راهبرد تصرف کامل اروندرود" بود. اما تهاجم ۴۵ روزه ارتش رژیم بعث عراق برای تصرف شمال اروندرود، با مقاومت نیروهای ایران نتیجه مورد انتظار را در بر نداشت. در نهایت ارتش

رژیم بعث عراق توانست حدود یک پنجم خوزستان را به تصرف درآورد.

اما ارتش رژیم بعث عراق در دست یابی به اهداف نظامی، ناکام ماند و راهبرد آن کشور شکست خورد. چنین وضعیتی باعث تغییر راهبرد نظامی رژیم بعث عراق به منظور تمرکز قوا جهت دفاع از اراضی تصرف شده گردید.

راهبرد "جنگ منجمد"

عمده پیشروی های رژیم بعث عراق در هفته اول جنگ که ایران آمادگی دفاع نداشت، انجام شد. رژیم بعث عراق در پی آن بود تا با حداقل تلفات پیروزی های خود را تثبیت کند و اجازه واکنش ایران را در مقابله با ارتش متجاوز ندهد. لذا در همان هفته اول و در حالی که هنوز پیشروی ارتش رژیم بعث عراق ادامه داشت، پیشنهاد برقراری آتش بس را داد. در واقع پذیرش آتش بس به ارتش رژیم بعث عراق اجازه می داد تا در مواضع اشغال کرده باقی بماند، ولی ایران را از برنامه ریزی جهت انجام عملیات برای بیرون رانده ارتش متجاوز باز می داشت.

در واقع صدام به دنبال جنگ منجمد بود. مفهوم نبرد منجمد^۱ در روابط بین الملل، وضعیتی است که یک درگیری مسلحانه فعال به پایان رسیده است، اما هیچ پیمان صلح یا چارچوب سیاسی دیگری، خاتمه یافتن جنگ را حل نکرده است. بنابراین هر لحظه می تواند جنگ دوباره شروع شود و محیط ناامن و بی ثباتی را ایجاد کند. رژیم بعث عراق با اتخاذ چنین راهبردی می خواست تا دستاورد نظامی خود را تبدیل به یک پیروزی سیاسی کند و ابتکار عمل را در خاتمه دادن به جنگ از موضع قدرت در اختیار بگیرد.

شکست راهبرد رژیم بعث عراق

با آزادسازی خرمشهر، راهبرد رژیم بعث عراق برای نیل به اهداف استراتژیک شکست خورد. این مقطع را می توان شکست بزرگ^۲ راهبرد سیاسی و نظامی رژیم بعث عراق تلقی کرد. با شکست راهبرد رژیم بعث عراق، نه تنها هدف اصلی حامیان رژیم بعث عراق که مهار قدرت رو به تزاید انقلاب اسلامی در ایجاد یک "ایران قوی منطقه ای" بود شکست خورد، بلکه هدف پروژه اضمحلال و فروپاشی جمهوری اسلامی و تجزیه ایران نیز ناکام ماند و مسیر سقوط صدام و پایان حاکمیت حزب

^۱- Frozen Conflict

^۲- Grand Failure

بعث بر عراق شروع شد.

شاید یکی از مهمترین اهداف کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در حمایت از صدام، از بین بردن مزیت مهم و راهبردی ایران جهت دسترسی و کنترل خطوط دریانوردی و کشتیرانی در خلیج فارس بود. زیرا با آزادسازی سرزمین‌های اشغالی، سیادت دریایی ایران همچنان محفوظ ماند.

باید توجه داشت که همواره کاهش کنترل ایران بر خلیج فارس برای کشورهای حامی رژیم بعث عراق در جنگ، بسیار مهم بوده و آنها همواره به دنبال جداسازی جزایر سه گانه ابوموسی، تنب‌بزرگ و تنب‌کوچک از ایران بوده اند. آنها در دوره شاه توانستند جزیره بحرین را از ایران جدا کنند ولی این بار با شکست رژیم بعث عراق ناکام شدند.

راهبرد رژیم بعث عراق پس از بیرون رانده شدن از خرمشهر

ارتش رژیم بعث عراق پس از تجزیه و تحلیل چهار عملیات ایران که منجر به شکست راهبرد رژیم بعث عراق در تداوم اشغال سرزمین‌های ایران شد، نسبت به تاکتیک‌های ایران آشنایی پیدا کرد. نگاهی به آرایش دفاعی رژیم بعث عراق از عملیات رمضان به بعد، بیانگر آموخته‌های ارتش رژیم بعث عراق از تاکتیک‌ها و چگونگی جنگیدن نیروهای داوطلب است. بنابراین رژیم بعث عراق راهبرد نظامی "مسلح کردن زمین" و افزایش "یگان‌های آزاد" جهت پاتک‌های فوری را برای مقابله با پیشروی قوای ایران اتخاذ کرد.

با این توصیف، ارتش رژیم بعث عراق به منظور کمک به اجرای راهبرد تدافعی، تاکتیک‌های خود در جبهه‌ها را تغییر داد تا بتواند راهبرد نظامی تهاجمی ایران را به شکست بکشاند.

بدین منظور ارتش رژیم بعث عراق تاکتیک‌هایی به شرح زیر اتخاذ کرد:

- ۱- ندادن جناح به نیروهای خودی به منظور جلوگیری از رخنه قوای ایران
- ۲- ایجاد پیوستگی در خطوط دفاعی
- ۳- برقراری موانع و میدان‌های مین در طول خطوط دفاعی به عرض ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر بویژه از شلمچه تا چنگوله (لطف الله زادگان، ۱۴۰۰: ۴۰) و احداث انواع خندق‌ها و کانال‌ها و نیز افزایش استحکامات در خطوط مقدم
- ۴- کشاندن جنگ به روز
- ۵- استقرار واحدهای پیاده در خطوط مقدم و عقب کشیدن واحدهای زرهی و یگان‌های سازمانی

از خطر انهدام قوای خودی

۶- بهره‌گیری از یگان‌های قدرتمند به عنوان نیروهای آزاد جهت انجام پاتک‌های فوری بکارگیری تاکتیک‌های فوق‌بسیار موفق بود و باعث شد تا پیشروی قوای ایران به داخل مواضع ارتش رژیم بعث عراق با سختی بسیار صورت گیرد و تلفات زیادی را ببار آورد.

بنابراین راهبرد اصلی رژیم بعث عراق پس از شکست در برابر راهبرد "دفع تجاوز" ایران و ناتوانی ارتش بعثی در حفظ سرزمین‌های اشغالی ایران به "راهبرد تدافعی" تغییر یافت. حکومت رژیم بعث عراق هم سیاست‌های زیر را برای اجرای راهبرد تدافعی در دستور کار قرار داد.

۱- پیشنهاد آتش بس و عقب‌نشینی از باقیمانده اراضی اشغالی ایران بدین منظور رژیم بعث عراق در ۲۱ خرداد ۱۳۶۱ و ۱۸ روز پس از بیرون‌راندن شدن از خرمشهر، بیانیه‌ای صادر کرد و ضمن بیان تصمیم برای توقف کلیه عملیات‌های نظامی، آمادگی رژیم بعث عراق را جهت عقب‌نشینی فوری از کلیه شهرها و سرزمین‌های ایران از جمله قصر شیرین، مهران، سومار و خسروی را طی دو هفته اعلام کرد. (خرمی، جلد اول، ۱۳۸۷: ۱۱۷) البته رژیم بعث عراق از ارتفاعات سرکوب و نیز نفت شهر عقب‌نشینی نکرد.

۲- پدافند مستحکم در جبهه‌ها به منظور جلوگیری از پیشروی قوای ایران در خاک عراق

۳- جذب کمک‌های نظامی، سیاسی و مالی کشورهای خارجی به ویژه کشورهای عربی پولدار

مثل عربستان و امارات و کویت

۴- افزودن بر قدرت رزمی بویژه نیروی هوایی

۵- ترمیم روابط با آمریکا و اروپا

۶- بهره‌گیری بیشتر از دیپلماسی بویژه از ظرفیت شورای امنیت سازمان ملل برای فشار به ایران

۷- افزایش حملات به جزیره خارک و به تأسیسات نفتی ایران

رژیم بعث عراق برای اجرای راهبرد تدافعی و پیشنهاد آتش بس از تاکتیک بازی سرزنش^۱ و مقصر نمایی در تبلیغات علیه ایران استفاده می‌کرد. براساس تاکتیک "بازی شماتت"، رژیم بعث عراق تلاش داشت تا اثر منفی ناشی از برقرار نشدن آتش بس را برعهده ایران قرار دهد. صدام می‌خواست با اعلام پیشنهاد آتش بس، یک فشار سیاسی موثری را بر ایران وارد کند تا ایران از خود نرمش نشان دهد و به فکر تنبیه متجاوز نباشد.

^۱ - blame-Game

به هر حال با اتخاذ **راهبرد تدافعی**، منحنی افزایش توان نظامی رژیم بعث عراق سیر صعودی یافت. به تدریج بر ظرفیت و توان ارتش رژیم بعث عراق افزوده شد و در نهایت فاصله معنی داری با قدرت نظامی ایران پیدا کرد و موازنه قوا به نفع رژیم بعث عراق در همه جبهه های زمینی، هوایی و دریایی تغییر یافت.

راهبرد دوگانه رژیم بعث عراق

رژیم بعث عراق از ابتدای جنگ به دنبال جلوگیری از تردد کشتی های تجاری به بندر امام خمینی از مسیر خورموسی و نیز حمله به پایانه های نفتی جزیره خارک و متوقف کردن تولید و صادرات نفت ایران بود. اما با شکست راهبرد آن کشور پس از آزادسازی خرمشهر، ارتش رژیم بعث عراق یک "راهبرد دوگانه" را اتخاذ کرد. بر اساس این راهبرد دوگانه، رژیم بعث عراق پدافند مطمئن در جبهه های زمینی را در دستور کار قرار داد ولی راهبرد توسعه جنگ در خلیج فارس را با تقویت نیروی هوایی در پیش گرفت.

از اواخر خرداد ۱۳۶۵ ارتش رژیم بعث عراق موفق شد تا تحولی در حمله به جزایر نفتی ایران و خطوط کشتیرانی ایجاد نماید. نیروی هوایی رژیم بعث عراق با بهره گیری از هواپیماهای میزبان حمله به بنادر و تأسیسات نفتی و نیز نفتکش های حامل نفت ایران را شدت بخشید. بناچار ایران با اخذ مجوز وزیر نفت از امام خمینی مجبور به افزایش واردات و خرید فرآورده های نفتی از خارج شد. (صحیفه امام، جلد ۲۰: ۱۰۳)

همچنین جنگ نفتکش ها در خلیج فارس به راه افتاد و کشتی های جنگی قدرت های بزرگ از جمله ناوگان نظامی آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی وارد خلیج فارس شدند. این راهبرد رژیم بعث عراق تا آخر جنگ دنبال شد به طوری که نیروی هوایی رژیم بعث عراق توانایی پرواز و انجام عملیات تا تنگه هرمز را پیدا کرده بود. این اقدام رژیم بعث عراق باعث افزایش ناامنی در خطوط کشتی رانی شد و جنگ مین هم در خلیج فارس به راه افتاد. به این ترتیب خلیج فارس به یک منطقه جنگی تبدیل شد و بیمه کشتی ها افزایش یافت.

اتخاذ راهبرد "فشار همه جانبه"

رژیم بعث عراق از سال ۱۳۶۵ راهبرد "فشار همه جانبه" را به منظور افزایش هزینه‌های جنگ برای ایران اتخاذ کرد. برای اجرایی شدن این راهبرد، رژیم بعث عراق سیاست‌هایی به شرح زیر را در پیش گرفت:

۱- خروج از راهبرد صرفاً دفاعی در جبهه‌های زمینی و حمله به برخی از مواضع ایران مثل حمله به مهران و تصرف آن در اواخر اردیبهشت ۱۳۶۵

۲- پذیرش انتقال سازمان مجاهدین خلق از فرانسه به رژیم بعث عراق به منظور بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت جاسوسی و عملیاتی منافقین در تهاجمات

۳- راه اندازی جنگ نفتکش‌ها به منظور ایجاد ناامنی در خطوط کشتیرانی و بین‌المللی کردن جنگ

۴- بمباران پالایشگاه‌ها و کارخانجات ایران

۵- برپایی جنگ شهرها و حملات گسترده به شهرها و مناطق مسکونی به منظور افزایش تلفات غیر نظامیان

با اتخاذ چنین راهبردی، ارتش رژیم بعث عراق علاوه بر تداوم جنگ و تهاجم در جبهه‌های زمینی، جنگ در خلیج فارس را نیز گسترش داد و علاوه بر حملات مرتب به جزیره خارک و سایر تأسیسات نفتی ایران، جنگ نفتکش‌ها را نیز به صورت گسترده آغاز کرد. رژیم بعث عراق به دنبال آن بود تا درآمدهای نفتی ایران را به صفر برساند. همچنین رژیم بعث عراق حمله به مناطق مسکونی را به نیمی از حوزه‌های جمعیتی کشانید تا هزینه‌های اجتماعی ایران را بالا ببرد. این در حالی بود که ایران سالانه مبلغ ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه جنگ می‌کرد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۹: ۲۶۵)

بررسی شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد که از سال ۱۳۶۵ رکود شدید اقتصادی در ایران شروع شده و تا پایان جنگ ادامه یافته است و در سال ۱۳۶۷ به اوج خود رسیده است. (دژپسند، ۱۳۸۷: ۹۸) همچنین ایران در سال ۱۳۶۵ بالاترین آسیب را از حملات رژیم بعث عراق دیده است. (دژپسند، ۱۳۸۷: ۱۸۵) با فشارهای رژیم بعث عراق، کسری بودجه دولت در سال آخر جنگ به ۵۰ درصد رسید. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۹: ۳۴۱) از سال ۱۳۶۵ که ایران با کاهش قابل توجه قیمت نفت مواجه شد و این شرایط تا سال ۶۷ نیز ادامه پیدا کرد، فشارهای اقتصادی در جامعه خیلی تشدید شد. این فشارها عمیقاً در وضعیت اقتصادی ایران تأثیر گذاشت.

در نتیجه راهبرد رژیم بعث عراق، مردم ایران در فاصله سال‌های ۶۵-۶۷، بیشترین اُفت را در مصرف سرانه را داشتند. ایران در سال‌های ۶۶-۶۵ با خاموشی‌های خیلی زیادی مواجه شد زیرا از یک طرف سرمایه‌گذاری انجام نمی‌شد و از طرف دیگر بخش‌های وسیعی از نیروگاه‌های کشور تخریب

شده بود.

درآمد سرانه سال ۱۳۶۷ نصف درآمد سرانه سال ۱۳۵۵ بود. سرمایه‌گذاری سرانه در سال ۶۷ یک‌چهارم سرمایه‌گذاری سال ۱۳۵۵ بود. بودجه دولت به قیمت ثابت در سال ۶۷ یک سوم سال ۱۳۵۵ بود. در واقع خدمات دولت در سال ۱۳۶۷ معادل یک سوم خدماتی بود که در سال ۱۳۵۵ ارائه می‌کرد. درآمدهای عمومی بودجه در سال ۶۷، به قیمت ثابت، معادل درآمدهای بودجه در سال ۱۳۴۷ بود. اینها نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در سال ۶۷ به شدت تحت فشار بود. (نیلی، ۱۳۸۵: دنیای اقتصاد)

در همین راستا کشتی‌های جنگی آمریکا از سال ۱۳۶۶ در خلیج فارس وارد عمل شدند. آمریکا سکوهاى نفتی و نفتکش‌ها و کشتی‌های ایران را زد تا پشتوانه مالی ایران را از بین ببرد. همچنین ناو وینسنس آمریکا با حمله به هواپیمای مسافربری ایران در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ در نزدیکی تنگه هرمز و کشتن حدود ۳۰۰ سرنشین آن، تلاش کرد تا فشار اجتماعی مردم را علیه جنگ برانگیزد.

در سال آخر جنگ، راهبرد آمریکا در قبال ایران با راهبرد رژیم بعث عراق برای وادار کردن ایران برای خاتمه دادن به جنگ، همسو شده بود. راهبرد هر دو کشور افزایش خارق العاده هزینه‌های انسانی و اقتصادی و اجتماعی ایران از طریق حملات گسترده ارتش رژیم بعث عراق به مناطق مسکونی و نیز ناامن سازی خطوط کشتی‌رانی بود. البته آمریکا و رژیم بعث عراق با تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل، توجه به یک راه حل سیاسی را برای ایران باز نگه داشته بودند.

راهبرد رژیم بعث عراق برای جنگ طلب نشان دادن ایران

راهبرد رژیم بعث عراق از ابتدای شروع جنگ، درخواست "آتش بس" و پذیرفتن تمامی "قطعنامه های شورای امنیت" سازمان ملل و استقبال از تمامی "هیئت های میانجی" و دعوت به "صلح" بود. این در حالی بود که نه تنها هیچگاه ایران در طول جنگ درخواست آتش بس نکرد، بلکه درخواست-های آتش بس را نیز بدون خروج بی قید و شرط ارتش رژیم بعث عراق از خاک ایران نمی پذیرفت.

رژیم بعث عراق با اتخاذ چنین راهبردی موفق شده بود تا در بین اکثر دولت‌ها و افکار عمومی جهانی، خود را مدافع صلح و ایران را جنگ طلب نشان دهد. ایران اصولاً دیپلماسی فعالی در سازمان ملل و در بین سایر کشورها برای ارائه ابتکارات دیپلماتیک و در نتیجه خاتمه دادن به جنگ از راه سیاسی با بهره‌گیری از ابزار دیپلماسی نداشت. تقریباً تمامی قطعنامه‌هایی که شورای امنیت سازمان ملل در باره جنگ تحمیلی به تصویب رسانده است، بدون حضور نماینده ایران تنظیم شده است. این در

حالی است که نمایندگان عراق و یا کشورهای حامی رژیم بعث عراق در تنظیم تمامی قطعنامه‌ها از جمله قطعنامه ۵۹۸ نقش فعال داشتند.

راهبرد رژیم بعث عراق که پرچم صلح را به دست گرفته و با ایران که قربانی تجاوز بود می‌جنگید، بسیار موثرتر از راهبرد ایران بود که در برابر ارتش متجاوز دفاع می‌کرد ولی در عین حال پرچم "جنگ جنگ تا پیروزی" را به دست گرفته بود و به دنبال حفظ تمامیت ارضی کشور بود. روش رژیم بعث عراق به گونه‌ای بود که شورای امنیت سازمان ملل و نیز هیئت‌های میانجی همیشه به دنبال قانع کردن ایران برای پذیرش آتش بس بودند.

در هر صورت ایران نتوانسته بود با فعالیت‌های دیپلماتیک، لزوم خروج ارتش متجاوز از خاک ایران را به عنوان مسئله اول برای شورای امنیت سازمان ملل و طرف‌های ثالث، قرار دهد و آنها را وادار کند تا در این مسیر حرکت کنند.

راهبرد رژیم بعث عراق برای پایان دادن به جنگ

در سال آخر جنگ "موازنه قوا" در همه حوزه‌ها به نفع رژیم بعث عراق تغییر کرد. حمایت قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای از رژیم بعث عراق موجب شد تا ارتش این کشور در جبهه‌ها بتواند حداقل بیش از دو برابر توان ایران را سازماندهی نماید. در نیروی هوایی برتری مطلق نسبت به ایران پیدا کند. در بهره‌گیری از موشک‌های زمین به زمین بتواند حتی تهران را در زیر برد قرار دهد، در حالی که ایران توان موشکی محدودی در اختیار داشت. حمایت سیاسی و تبلیغاتی اکثر کشورهای جهان را به خود جلب کند. ابتکار عمل در ناامن سازی خطوط کشتیرانی در خلیج فارس و در حمله به نفتکش‌ها را به خود اختصاص دهد.

با توجه به چنین اقتداری، راهبرد رژیم بعث عراق برای پایان دادن به جنگ، از بین بردن ظرفیت "تاب آوری" ایران در حوزه‌های مختلف نظامی، اقتصادی و اجتماعی بود. راهکارهای اجرایی چنین راهبردی برای رژیم بعث عراق، بهره‌گیری از ظرفیت "شورای امنیت" سازمان ملل و کسب "حمایت سیاسی و نظامی" قدرت‌های بزرگ و کشورهای عربی و نیز "متلاشی کردن" توانایی نظامی و اقتصادی ایران برای تداوم جنگ با راه اندازی جنگ نفتکش‌ها، "از بین بردن سرمایه اجتماعی" ایران با حملات به مناطق غیرنظامی و برپایی جنگ شهرها و نیز "بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی" بود.

بنابراین راهبرد نظامی رژیم بعث عراق از "راهبرد تدافعی" به "راهبرد تهاجمی" برای بازپس‌گیری اراضی تصرف شده تغییر کرد. بدین منظور رژیم بعث عراق تعداد زیادی از نیروهای ذخیره را بسیج و

یگان‌های جدیدی را سازماندهی کرد و حملات سنگین هوایی و موشکی به غیرنظامیان و زیرساخت های اقتصادی ایران را گسترش داد. همچنین رژیم بعث عراق سعی کرد تا از ظرفیت منافقین علیه ایران استفاده کند. بر همین اساس بود که منافقین سه عملیات به شرح زیر انجام دادند.

۱- عملیات آفتاب در ۸ فروردین ۱۳۶۷ در مرز فکه

۲- عملیات چلچراغ برای تصرف مهران در ۲۹ خرداد ۱۳۶۷

۳- عملیات فروغ جاویدان برای تصرف تهران در سوم مرداد ۱۳۶۷

رژیم بعث عراق از اواخر ۱۳۶۵، عملیات‌های تهاجمی جدیدی را در خلیج فارس طرح ریزی کرد. به این ترتیب از اوایل ۱۳۶۶، راهبرد منسجمی را علیه درآمدهای نفتی ایران به مرحله اجرا گذاشت. از طرفی "توسعه جنگ شهرها" و افزایش بکارگیری "سلاح های شیمیایی" در جبهه ها و نیز تحمیل "تنهایی و انزوا" بر ایران در روابط بین المللی از راهبردهای مهم کاهش توان مقاومت ایران بوده است. اما آنچه نقش تعیین کننده در پایان دادن به جنگ داشت، راهبرد تهاجمی رژیم بعث عراق بود که از ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ به اجرا درآمد و پی در پی تا مرداد ادامه یافت. ارتش رژیم بعث عراق حتی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران توانست در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ در جبهه جنوب تا نزدیکی رودخانه کارون پیشروی کند و خرمشهر را تهدید نماید.

همچنین منافقین توانستند در سوم مرداد ۱۳۶۷ تا تنگه چارزیر در نزدیکی کرمانشاه پیشروی کنند. البته منافقین با تحمل ۱۳۰۰ کشته تار و مار شدند و ارتش رژیم بعث عراق نیز در جبهه جنوب به عقب رانده شد. ولی ایران هم تلفات زیادی داشت به گونه ای که در سال ۱۳۶۷، تعداد ۲۱۲۳۰ نفر از رزمندگان و مردم جان خود را از دست دادند. (گزیده های آماری: ۴) همچنین حدود ۲۴ هزار نفر نیز اسیر شدند که بیش از نیمی از اسرای ایران در تمامی دوران جنگ است.

در مجموع رژیم بعث عراق برای اجرای راهبرد خود جهت پایان دادن به جنگ، چیزی در حدود ۲۰ میلیارد دلار هزینه کرد که این رقم تقریباً با تمام هزینه دلاری مستقیم انجام شده ایران در طول دوران جنگ برابر است.

اتخاذ راهبرد نظامی "اقدام پیشدستانه"

در سال آخر جنگ رژیم بعث عراق به این نتیجه رسید که برای مقابله با راهبرد تهاجمی ایران بایستی دست به تهاجمات نظامی پیشدستانه بزند و به جای اینکه منتظر مواجه شدن با عملیات ایران

باشد، خود دست به حمله بزند و ایران را وادار به اتخاذ راهبرد دفاعی برای حفظ مواضع تصرفی کند. با اتخاذ چنین راهبردی بود که ارتش رژیم بعث عراق به منطقه عملیاتی والفجر ۸ حمله کرد. حمله گسترده ارتش رژیم بعث عراق به فاو در حالی صورت گرفت که فرماندهان اصلی جنگ و عمده قوای ایران درگیر ادامه عملیات والفجر ۱۰ در حوالی منطقه حلبچه رژیم بعث عراق بودند. به این ترتیب پس از یک روز تهاجم سنگین، ارتش رژیم بعث عراق موفق شد تا سرپل فاو را در روز ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ پس بگیرد. موفقیت ارتش رژیم بعث عراق در اجرای این راهبرد موجب شد تا به ناگهان سیستم تعادلی موازنه قوا بین ایران و رژیم بعث عراق از تعادل مألوف خارج شود و به این ترتیب رژیم بعث عراق توانست تا ساختار دفاعی ایران را با بحران و آشوب^۱ مواجه سازد.

پس از این پیروزی بود که حملات رژیم بعث عراق به سایر خطوط دفاعی ایران در شلمچه، فکه، جزایر مجنون و ... ادامه یافت و ارتش رژیم بعث عراق در همگی آنها موفق بود. ارتش منافقین هم به یاری صدام شتافت و عملیات چلچراغ را در مهرا ن انجام داد. بنابراین می توان گفت که پس از پیروزی های رژیم بعث عراق در سال اول جنگ، اتخاذ راهبرد تهاجمی جهت حملات پیشدستانه به مواضع دفاعی ایران، از موفق ترین راهبردهای رژیم بعث عراق در جنگ بوده است.

راهبرد رژیم بعث عراق پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران

رژیم بعث عراق تمایل داشت که ایران در سال ۱۳۶۷ از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ خودداری کند تا بتواند جمهوری اسلامی را در "تله جنگ" بیندازد. آمار تلفات ایران در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶، بیانگر آنست که ادامه جنگ به نفع صدام بوده است. زیرا به طور مرتب از درآمدهای ایران کاسته و بر خسارات کشور افزوده می شد. اما علیرغم انتظار صدام، ایران در روز ۲۷ تیر ۱۳۶۷، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را پذیرفت. (صحیفه امام، جلد ۲۱: ۷۴)

پس از قبول آتش بس، رژیم بعث عراق راهبرد "اشغال هر چه بیشتر سرزمین های ایران" و نیز "ساقط کردن جمهوری اسلامی" توسط منافقین را اتخاذ کرد. برای اجرای چنین راهبردی، ارتش رژیم بعث عراق دوباره به سرزمین های جنوب خوزستان حمله کرد و جاده اهواز - خرمشهر را در ایستگاه حسینیه بست و نیروهای خود را به نزدیکی کارون رساند و به دنبال اشغال خرمشهر بود. البته این راهبرد رژیم بعث عراق با اعلام نظر امام خمینی مبنی بر اینکه "یا سپاه یا خرمشهر" به شکست انجامید.

^۱ - Chaos

(رضایی، ۱۳۹۵: ۹)

به هر حال با شکست منافقین در عملیات مرصاد و ناکام ماندن رژیم بعث عراق در اشغال مجدد سرزمین‌های ایران، راهبرد رژیم بعث عراق شکست خورد.

راهبرد رژیم بعث عراق پس از خاتمه جنگ با ایران

رژیم بعث عراق پس از برقراری آتش بس بین دو کشور، اصرار بر مذاکره مستقیم با ایران داشت و به دنبال آن بود تا از بازگشت به معاهده ۱۹۷۵ خودداری کند. بر همین اساس تا دو سال از آزاد کردن اسرا و رها کردن سرزمین‌های اشغالی ایران و بازگشت به مرز خودداری کرد.

در واقع رژیم بعث عراق از راهبرد "اتلاف وقت" استفاده می‌کرد تا ایران را خسته کرده و مجبور به پذیرش خواسته‌های خود کند. اما ایران همچنان به مقاومت خود ادامه داد و به دنبال مذاکره با رژیم بعث عراق در حضور دبیرکل سازمان ملل بود. از طرفی ایران در عین پابندی به قطعنامه ۵۹۸، عجله‌ای برای نیل به اهداف اصلی خویش که مهمترین آن، بازگشت رژیم بعث عراق به معاهده ۱۹۷۵ بود از خود بروز نمی‌داد.

این راهبرد تا اردیبهشت ۱۳۶۹ که رژیم بعث عراق شروع به برنامه ریزی برای حمله به کویت کرد، ادامه یافت. با تصمیم صدام برای اشغال کویت، رژیم بعث عراق مجبور شد تا به خاطر اطمینان از عقبه خود و جلوگیری از وارد شدن ایران به نفع کویت، اختلافات خود با ایران را حل کند و از مواضع خود کوتاه بیاید و دوباره به معاهده الجزیره بازگردد. (دوازده نامه، ۱۳۸۶: ۶۵)

نتیجه‌گیری

صدام مانند هر بازیگر دیگری برای اتخاذ راهبرد جنگ دارای منافع، ملاحظات و ترجیحاتی بوده است. از ابتدای شروع جنگ، راهبرد نظامی رژیم بعث عراق تصرف خوزستان و نوار حاشیه مرز در غرب ایران بود تا به هدف سیاسی الغای معاهده ۱۹۷۵ دست یابد. در مجموع این تحقیق نشان می‌دهد که راهبرد رژیم بعث عراق برای اشغال بخشی از سرزمین ایران در سال اول جنگ موفق بوده ولی ارتش رژیم بعث عراق نتوانسته به تمامی اهداف طرح ریزی شده برسد.

بنابراین راهبرد رژیم بعث عراق برای "ملغی کردن معاهده ۱۹۷۵" و الحاق "خوزستان به عراق" و جداسازی "جزایر سه گانه" از طریق برپایی جنگ، به‌طور کامل شکست خورده است. اما پافشاری

رژیم بعث عراق بر "راهبرد اشتباه" الغای معاهده ۱۹۷۵، موجب طولانی گشتن و فرسایشی شدن جنگ برای مدت ۸ سال شد. صدام در نهایت با دست خالی و بدون هیچ دستاوردی به رژیم بعث عراق بازگشت. همین شکست باعث شد تا او به فکر اشغال کویت بیفتد و جنگ دیگری را به راه بیندازد. بنابراین اکثر راهبردهای رژیم بعث عراق نتوانسته اند اهداف آن کشور در جنگ با ایران را محقق کنند.

اسناد سازمان ملل متحد (۱۳۸۹). مترجم: محمدعلی خرمی، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، جلد ۱ تا ۱۰.

افشردی، محمدحسین (۱۳۸۶). طرح‌ریزی راهبردی نظامی در صحنه جنگ و عملیات، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

تیمرم، کنت آر (۱۳۷۳). سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه رسا.

حدیث ولایت (۱۳۷۷). جلد‌های ۱ تا ۸، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

درویشی سه تالنی، فرهاد (۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل استراتژی نظامی عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

دژپسند، فرهاد و رؤفی، حمیدرضا (۱۳۸۷). اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه.

دوازده‌نامه (۱۳۸۶). متن نامه‌های مبادله شده ایران و عراق در سال ۱۳۶۹، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

دیلیپ، هیرو (۱۳۹۱). طولانی‌ترین جنگ، رویارویی نظامی ایران و عراق، ترجمه علیرضا فرشچی، فریدزاده و کافی، تهران: نشر مرز و بوم.

رشید، غلامعلی (۱۳۸۸). آغاز و پایان جنگ، درج شده در کتاب ما و جنگ، به کوشش مهدی بهداروند، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس.

رضایی، محسن (۱۳۹۵). بعد از فتح خرمشهر نباید وارد عراق می‌شدیم، تاریخ‌ایرانی به نقل از خبرگزاری فارس، ۶ مهر.

رضایی، محسن (۱۳۹۵). ناگفته‌های جنگ، خبرگزاری فارس، کد خبر: ۳۱۴۸، ۴ مهر.

صحیفه امام (۱۳۷۸). مجموعه آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد‌های ۱ تا ۲۲.

علایی، حسین (۱۴۰۱). تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، چاپ دوم، جلد‌های ۱ و ۲، تهران: نشر مرز و بوم.

کوپن، وودز و همکاران (۱۴۰۰). جنگ صدام به روایت سرلشکر رعدمجید حمدانی، مترجم داود علمانی، چاپ سوم، تهران: نشر مرز و بوم.

گزیده‌های آماری، اداره کل آمار و اطلاعات بنیاد شهید.

لطف‌الله‌زادگان، علیرضا (۱۴۰۰). مباحث استراتژیک جنگ تا پایان سال ۱۳۶۱، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

معین وزیری، نصرت‌الله (۱۳۸۵). تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان، تهران: سازمان حفظ آثار دفاع مقدس ارتش.

مفید، عبدالحسین (۱۳۹۸). بازخوانی جنگ تحمیلی، تهران: ایران سبز.

مهاجرانی، سید عطاءالله (۱۴۰۰). نقد تحریف مدرن امام خمینی، جنگ عراق و ایران، تهران: انتشارات امید ایرانیان.

نیلی، مسعود (۱۳۸۵). اقتصاد و جنگ، تهران، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۰۶۶، مورخ ۵ مهر ماه ۱۳۸۵، قابل دسترسی به نشانی: <https://donya-e-eqtasad.com/26/387082>

وفیق السامرائی (۱۳۹۹). ویرانی دروازه شرقی، مترجم: عدنان قارونی، چاپ دهم، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۹). ۶۱ مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی.

Arth Lykke, J (1989), *Toward an Understanding of Military Strategy*, chap. In: *Military Strategy: Theory and Application*, Carlisle Barracks, PA, U.S. Army War College.

Bracker, J, (1980), *The historical development of strategic management concept*, *Academy of Management Review*

Joint Strategy Review, (1999), Washington, DC: The Joint Staff,

Military intelligence training (2021), at: <https://www.groupedci.com/offers/military-intelligence-training/>

Narizny, Kevin, (2007), *The political Economy of Grand Strategy*, New York, Coronn University Press

Nye, Joseph S. (2004), "The Decline of American's Soft Power", *Foreign Affairs*, Jun

William C. Martel, (2015), *Grand Strategy in Theory and Practice*, Tufts University, The Fletcher School, Cambridge University